

درس کلام استاد ربانی

۹۹/۰۴/۰۷

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

دروس سطوح عالی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه‌ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع‌ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس‌ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزارها

پخش زنده-کامپیوتر

پخش زنده-اندروید

آرشیو مدرسه فقاها

موضوع: حقیقت جهنم

چگونگی کیفرها و پاداش های اخروی

در دو گفتار پیشین این مساله از منظر قرآن کریم بررسی شد که فلسفه مجازات های دوزخ و نیز پاداش ها و نعمت های بهشت عبرت گرفتن و بازگشت نیست کما اینکه برخی مطرح کرده اند، بلکه یکی تمیز میان خبیث و طیب و دیگری رسیدن به نتیجه اعمالی است که فرد در دنیا انجام داده است (مراد از اعمال در اینجا اعم از اعمال جوانحی مانند کفر و شرک و اعمال جوارحی است).

این نکته را نیز دوباره یادآوری می کنیم که عبرت گرفتن از مجازات ها و پاداش ها مربوط به اخبار و بیان آن ها است نه حقیقت آنها.

بعد از دانستن چرایی کیفرها و پاداش ها اکنون پرسشی که مطرح می شود درباره چگونگی این کیفرها و پاداش ها است. در اینجا سه فرض قابل بحث است:

۱. کیفرها و پاداش های اخروی را از مقوله قراردادها و اعتبارها از سوی مولای حکیم است، همانند مجازت های و پاداش هایی که در جوامع بشری از سوی حاکمان وضع می شود.

۲. رابطه اعمال ما با کیفرها و پاداش های اخروی رابطه سببیت است، به این معنا که اعمال انسان در دنیا سبب است و کیفرها و پاداش ها نتیجه این اعمال است.

۳. فرض عینیت میان اعمال و جزاء است به این معنا که خود عمل با صورتی مناسب با جهان آخرت تجسم پیدا کرده و به فرد داده می شود. عبادت اینجا با چهره نعیم بهشتی و معصیت اینجا با چهره عذاب دوزخی ظاهر می شود.

برای اینکه ببینیم نسبت میان اعمال ما و پاداش ها آیا فرض اول یعنی اعتباری است یا نه، به قرآن کریم رجوع می کنیم. از برخی آیات قرآن کریم می توان این فرض را استفاده کرد:

الف) «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» [۱] : یقیناً خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده ؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می کنند ، پس [دشمن را] می کشند و [خود در راه خدا] کشته می شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و انجیل و قرآن [وعده بهشت داده است] وعده‌ای حق ؛ و چه کسی به عهد و پیمان‌ش از خدا وفادارتر است ؟ پس [ای مؤمنان !] به این داد و ستدی که انجام داده‌اید ، خوشحال باشید ؛ و این است کامیابی بزرگ.

ظاهر این آیه این است که میان خداوند و مومنین قراردادی است **ب) «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» [۲] :** و [نیز یاد کنید] هنگامی که پروردگارتان اعلام کرد: اگر سپاس گزاری کنید ، قطعاً [نعمتِ] خود را بر شما می افزایم ، و اگر ناسپاسی کنید ، بی تردید عذابم سخت است.

شکر نعمت همانگونه که در روایات آمده است به معنای استفاده این نعمت ها در راه درست خویش است. این آیه نیز خالی از اشعار نسبت به آنچه گفتیم نیست.

(ج) امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصاً لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ لِعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ وَ لِكِنَّهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَ جَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةً الثَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَ تَوْسَعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْمَزِيدِ أَهْلُهُ» [۳] : حق از همه چیز در مقام توصیف گسترده تر و وسیع تر است و از همه چیز در مقام اجرا و عمل، محدودتر است. حق و مسئولیت امری دو طرفی است به این معنا که برای هر کسی حقی باشد مسئولیتی نیز هست و در جایی که مسئولیتی باشد، حقی نیز هست. اگر یک نفر را بجوئیم که حق درباره او یکطرفه باشد او تنها خدای متعال است زیرا او دارای قدرت مطلق است در مقابل هیچ کس قدرتش محدود نیست. دیگر اینکه افعال او عادلانه است و هر کاری انجام می دهد در جای خود انجام می دهد و لذا جایی برای سوال باقی نمی ماند. با این حال خدای متعال برای خودش حقی را مقرر کرده و آن حق اطاعت است و به بندگان به آن عمل می کنند ثواب عطا می کند.

(د) از مجموعه آیاتی که در مورد پاداش های اخروی وعده داده شده و نسبت به عذاب های جهنم وعید داده شده نیز فرض اعتباری بودن بدست می آید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ. وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» [۴] «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ

عَذَابٌ مُّقِيمٌ» [۵] . «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» [۶] . «وَ نَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» [۷]

هـ) وعده هایی که خداوند در دنیا به مومنین داده است نیز می تواند موید این فرض باشد. «وَ إِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعَ دَايِرَ الْكَافِرِينَ» [۸] : و [یاد کنید] هنگامی که خدا پیروزی بر یکی از دو گروه [سپاه دشمن یا کاروان تجارتی قریش] را به شما وعده داد ، و شما دوست داشتید بر کاروان تجارتی قریش دست یابید ، ولی خدا می خواست پیروزی در میدان جنگ را با فرمان نافذی [که دایر بر پیروزی مؤمنان و شکست دشمنان جاری ساخته بود] تحقق دهد و ریشه کافران را قطع کند.

درباره مادر حضرت موسی (ع) می فرماید: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» [۹] .

و) موید دیگر آیاتی که در آن ها کلمه اجر به کار رفته است که نشان دهنده آن است که کاری انجام شده و فرد مستحق دریافت اجرت شده است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِنَّ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَ يُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا» [۱۰] . «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» [۱۱] . «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [۱۲]

وقتی آیات مربوط به اجر در دنیا مورد دقت قرار گیرد معلوم می شود که همین معنا مورد نظر است. در مورد ساحرین زمان حضرت موسی (ع) می فرماید: «وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنَّا كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ» [۱۳]. یا در مورد دختر حضرت شعیب (ع) آمده است: «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا» [۱۴]

(ز) بخشی از آیات بیان گر جزاء است که پاداش های بهشت و عذاب های جهنم را جزاء می داند. این آیات دو دسته است: برخی بیان گر آن است که خود عمل جزا است. این آیات موید فرض سوم است که عینیت میان عمل و جزا را بیان می کند. برخی دیگر بیان گر آن است که در ازای عمل جزاء قرار می گیرد. «الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» [۱۵]. «وَمَا لَهُمْ بِهِمْ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [۱۶]. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ» [۱۷]

یک شاهد دیگر در مورد برخی تشریعات الهی است که تعبیر جزا آمده است: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءُ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» [۱۸]

بنابراین ماحصل شواهدی که بیان شد این است که می توان کیفرهای و پاداش های اخروی را از مقوله اعتبار و قرارداد دانست. ادامه بحث در جلسه آینده بیان می شود.

[۱] توبه/سوره ۹، آیه ۱۱۱.

[۲] ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۷.

[۳] نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

[۴] مائده/سوره ۵، آیه ۹ و ۱۰.

[۵] توبه/سوره ۹، آیه ۶۸.

[۶] توبه/سوره ۹، آیه ۷۲.

[۷] اعراف/سوره ۷، آیه ۴۴.

- [۸] انفال/سوره ۸، آیه ۷.
- [۹] قصص/سوره ۲۸، آیه ۱۳.
- [۱۰] نساء/سوره ۴، آیه ۴۰.
- [۱۱] نساء/سوره ۴، آیه ۷۴.
- [۱۲] بقره/سوره ۲، آیه ۱۱۲.
- [۱۳] اعراف/سوره ۷، آیه ۱۱۳.
- [۱۴] قصص/سوره ۲۸، آیه ۲۵.
- [۱۵] غافر/سوره ۴۰، آیه ۱۷.
- [۱۶] توبه/سوره ۹، آیه ۹۵.
- [۱۷] انعام/سوره ۶، آیه ۱۲۰.
- [۱۸] مائده/سوره ۵، آیه ۳۸.

